



به همین خیال باش!



سرمقاله

۷ میلیون از مخالفانش در خیابانها علیه او تظاهرات کرده اند در جایگاهی نیست که برای بقیه قلدری کند و بهتر است به امورات کشور خود بپردازد. این پاسخ دو نکته مهم دیگر نیز داشت. نخست آنکه با تیزبینی به ماهیت واقعی آن اشاره داشت که هدف از آن نمایش ورجزخوانی ها، روحیه دادن به صهیونیست های شکست خورده و مایوس بود و دوم آنکه ایران تسلیم زورگویی نمی شود و آنچه ترامپ مذاکره و معامله می نامند و تهران را به آن دعوت می کند، دیکته ای آمریکایی است که ایران صرفا باید امضاکننده آن باشد. این قلدربازی ها شاید برخی را در دنیا مرعوب کند و صحنه ای برای نمایش هایی همچون شرم الشیخ بسازد اما قطعاً بر ایران اثر نخواهد گذاشت. ■

تامل و تحلیل است؛ نخست آن که نشان داد ایشان به عنوان رهبر این کشور و ملت، در خط مقدم دفاع از عزت ایرانی و ایرانی هستند و اجازه نمی دهند هر بی سر و پایی هر آنچه می خواهند درباره ایران بر زبان رانده و پاسخی درخور دریافت نکنند. نکته مهم دیگر آنکه واکنش قاطع رهبر انقلاب، بار دیگر نشان داد ایشان در برابر هیمنه پوشالی و تهدیدهای استکبار هراسی نداشته و آنجا که ضرورت دارد، موضع گیری صریح و شفاف می کنند. این موضع گیری نیز از سر انفعال و به شکل تدافعی نیست، بلکه به صورت مستدل و منطقی، شکل تهاجمی نیز به خود گرفته و وضعیت شکننده حریف را به او یادآوری می کند. در اینجا نیز ترامپ خطاب قرار گرفته و به او یادآوری شد، کسی که

در اجلاس شرم الشیخ منتظر نگه داشت و دیر به اجلاس رفت و در اجلاس نیز سیرکی تحقیرآمیز برپا کرد و هر کدام را به شکلی نواخت. یاوه گویی های ترامپ در کنست، البته تازگی نداشت. او کم و بیش در تمام سخنرانی ها و مصاحبه های اخیر خود گریزی به ایران می زند و از این دست سخنان می گوید اما این سخنرانی هم از نظر کمیت و هم کیفیت لودگی در سطح جدید قرار داشت و پاسخ ندادن به آن تبعات خاص خود را داشت و می توانست دشمن را درباره رجزخوانی های خود دچار توهمی خطرناک کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی دیروزشان، به این یاوه گویی ها واکنش نشان داده و پاسخی محکم و قاطع به آن دادند. این پاسخ از چند منظر قابل

🔗 دونالد ترامپ، در سفر هفته گذشته خود به منطقه برای شرکت در اجلاس شرم الشیخ، ابتدا راهی سرزمین های اشغالی شد و سخنرانی مفصلی را در مجلس رژیم اسرائیل انجام داد. بخش قابل توجهی از این سخنرانی به ایران اختصاص داشت. او با لودگی بیش از عادت همیشگی خود سعی کرد چند پیام موازی را صادر کند. پیام هایی که در مجموع می خواست از او تصویر قلدری سخاوتمند را به نمایش بگذارد که فرصتی دیگر برای تسلیم شدن به ایران داده و ایران باید قدر این فرصت را بداند. البته که این مدل رفتار و برخورد متکبرانه و لودگی از سوی رئیس جمهور فعلی آمریکا، چیز جدید و تعجب آوری نیست. اوده ها تن از سران کشورهای دنیا را ۴ ساعت

	الله اکبر؛ این صدای ملت ایران است. با کمال افتخار و سربلندی از نیروهای ارتش و سپاه و پدافند پرافتخار و پراقتدار کشورم تشکر می کنم و خدمت همه شان عرض می کنم که دعای خیر تک تک مردم ایران پشت شان است.	ان شاء الله که خدا پشتیبان شان باشد. به آنان قدرت، قوت و توفیق روزافزون بدهد. ما هم پشتیبان شان هستیم؛ سلاح ما دعاست؛ برایشان می فرستیم. نذر صلوات برای سلامتی شان کردیم. ان شاء الله که موفق و سربلند باشند.	پیام صوتی خانم Hasanpour خطاب به نیروهای مسلح ایران
---	--	--	---

تورق

پائین تراز خیابان انقلاب

🔗 با انتخاب آیت الله خامنه‌ای به رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران، محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه پاسداران، مأموریتی ویژه برای آماده‌سازی مسائل حفاظت رهبری به سردار علیرضا افشار سپرد. مرحوم افشار در این باره میگوید: خدمت آقا رسیدم و درباره محل سکونت و دفتر کارشان سؤال کردم. گفتند بررسی کنید و جایی را پیدا کنید که برای مردم مزاحمت ایجاد نکنند. با هماهنگی دفتر آقا قرار شد در محله عباس‌آباد که فضای مناسبی برای تدارکات حفاظت و راه‌های دسترسی داشت، مکانی ساخته شود. طرح در جلسه‌ای خدمت آقا ارائه شد. ایشان دستشان را بردند روی نقشه و فرمودند: خیابان انقلاب به پایین باشد من باید میان مردم باشم. بررسی‌های زیادی انجام دادیم، اما جای مناسبی پیدا نکردیم آقا همچنان در همان محل ریاست جمهوری بودند. نهایتاً به مجموعه فعلی رسیدیم. با جست‌وجو در اطراف این مجموعه منزلی انتخاب و تهیه شد. آقا اجازه هیچ تغییری را در منزل ندادند فقط در کنارش حسینیه‌ای برای دیدارهای مردمی ساخته شد. ایشان حتی اجازه ندادند که برای حسینیه فرش بخریم و آنجا را با گلیم‌های یزدی مفروش کردند. ✍ کتاب خاطرات مرحوم سردار افشار با عنوان همیشه جهادگر

بنی آدم اعضای یکدیگرند

یک ایران، همدل است

جلوه‌های همدلی و همبستگی مردم کشورمان در برابر تجاوز رژیم صهیونی به خاک ایران عزیز در دانشگاه فرهنگیان لرستان



🔗 برپایی محفل دانشجویی گرامیداشت شهدای دفاع مقدس ۱۲ روزه

فرزند ایران

فنجان گرم

🔗 ساعت ۶ صبح، نیمه‌در راهروی ساختمان صداوسیما ایستاد. نور صبحگاهی سایه‌اش را طولانی کرده بود. نگاهش به قاب عکس شهید رجایی افتاد. دستی به صورتش کشید؛ چند روز دیگر شمع چهل‌و هشتمین سال زندگی‌اش را خاموش می‌کرد. دلش برای دخترانش، مهلا و مبینا، پر می‌کشید. پشت میز تحریریه نشست. خودکار قرمز را برداشت و خط کشید زیر کلمات مهم. هر خبر را سه بار می‌خواند. جای دوم و سوم هم سرد شد کنار فنجان اول. برای او کار رسانه تنها یک شغل نبود، مسئولیتی مقدس در برابر حقیقت بود. حوالی ساعت شش بعد از ظهر، بوی باروت فضا را پر کرد. موشک‌ها آسمان را شکافتند و ساختمان را لرزاندند. نیما تا آخرین ثانیه ماند تا آنتن زنده حفظ شود. آخرین نفر از ساختمان خارج شد. همان لحظه، ترکش‌ها شریان دست و پایش را گرفتند و او را زمین‌گیر کردند. جمله‌ای از وصیت‌نامه‌اش در ذهنش درخشید: «دوست دارم به‌دست شقی‌ترین آدم‌ها کشته شوم». لبخندی تلخ بر لبش نشست. چند ساعت بعد، شبکه خبر با زیرنویس اعلام کرد: «نیمارجب‌پور، سردبیر شبکه خبر، مردی که سال‌ها پشت صحنه خبر، برای ثبت حقیقت ایستاده بود، ۲۶ خرداد ۱۴۰۴، به‌دست شقی‌ترین دشمنان، شهید شد و به آرزوی دیرینه‌اش رسید.» ✍ سمانه اعتمادی جم